

# اسطوره و آیین

از روزگار باستان تا امروز

میرچا الیاده، پ.م. شول، ف.ل. اوتلی و دیگران

ترجمه‌ی: ابوالقاسم اسماعیل پور مطلق

عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

## فهرست

- دیباجة مترجم: اسطوره چیست؟ / ۹  
اسطوره در روزگار باستان / ۱۹  
اسطوره در اعصار کتاب مقدس / ۲۹  
اسطوره در قرون وسطی و رنسانس / ۵۳  
اسطوره در سده‌های هجده و اوایل نوزده / ۷۵  
اسطوره در سده‌های نوزده و بیست / ۹۵  
آیین / ۱۲۱  
دین، اسطوره و آیین / ۱۳۱  
شمن‌گرایی / ۱۵۷  
آیین شمنی / ۱۶۵  
تلفیق فرهنگی / ۱۷۷  
کیش کالا / ۱۸۱  
هزاره‌گرایی و جنبش‌های هزاره‌گرا / ۱۸۷  
تفسیر اعداد / ۱۹۱  
تصرف روح / ۱۹۵  
بدوی‌گرایی / ۲۰۳  
بایگانی‌ها / ۲۰۹

جادو پزشکان / ۲۱۵

رفتار نخستین / ۲۲۷

تکامل نخستین / ۲۴۷

ویژگی‌های قوم شناختی میکرو نزی / ۲۵۹

ویژگی‌های انسان شناختی قفقاز / ۲۹۱

انجمن آمریکایی موزه‌ها / ۳۰۱

انسان شناسی انسان‌گرا / ۳۰۷

فهرست واژگان و اصطلاحات / ۳۱۹

# اسطوره در روزگار باستان

پیر ماکسیم شول<sup>۱</sup>

تخیل نقش بزرگی در قلمرو اندیشه ایفا می‌کند چنان‌که اسطوره نیز در تمدن نقش دارد. هرچند اندیشه انتزاعی بسیار دیرتر از اسطوره تحول یافت، اما هرگز اندیشه اسطوره‌ای را به طور کامل از بین نبرد.

هر تمدنی، حتی از نوع بسیار ابتدایی، اسطوره‌های خودش را دارد و هریک از اعضاء گروه در آن سهم‌اند؛ این اسطوره‌ها وارد زندگی‌شان می‌شوند و بازتاب‌های عاطفی و خرد آنان را تغذیه می‌کنند. (لوی برول، لوی استروس، کازنوو)

اساطیر در سراسر جهان باستان، از هند تا مصر، کلد و کِرت نشو و نما یافته است. عبری‌ها شیوه مشخصی از تصفیة اندیشه اساطیری داشتند. اما یونان بود که یکی از انواع خاص اساطیر دارای ساختار پیچیده و منسجم را عرضه کرد (رامنو<sup>۲</sup>). هرچند افلاطون با لحن ویژه طنزآلود از اسطوره سخن می‌گوید، با وجود این، اساطیر و دین یونانی انواع هنرها را تغذیه

---

1. Piere-Maxime Schuhl

2. Ramnoux

می‌کرد و بسیاری از متون فلسفی تفسیر؛ برجسته‌ترین آنها به قلم این استاد آکادمی (افلاطون) نوشته شد.

ما امروز در وضعیت بهتری هستیم تا بفهمیم که اساطیر کهن به واسطه هم‌نشینی و امتزاج عناصر و سنت‌های گوناگون منبعت از مهاجرت‌های ماقبل تاریخی تا چه پایه رشد یافته است.

نخستین چیزی که باید تشخیص داد این است که عنصر یونانی نوع خویشاوندی پدری با جنبه‌های خاص و اساساً مذکر ایزدانی است چون زئوس، پوزئیدون، هادس و شخصیت‌های چندگانه‌ای چون هرمس. در مرتبه دوم، تأثیرات کِرتی و آسیایی معرّف نمودگارهای گوناگونی از ایزدبانوان بزرگ باروری است. همراه با یک موجود مذکر، یک ایزد جوان زاده می‌شود و می‌میرد. در اینجا نه تنها هیاسینتوس (جوان زیبایی که آپولن شیفته‌اش شد اما از سر تصادف او راکشت و از خون او سنبل برجهید) بلکه بعضی از ویژگی‌های زئوس زاده شده در کوه ایدا را می‌بینیم. تجلیات گوناگون ایزدبانوی بزرگ با اندکی و ویژگی‌های متفاوت به شکل همگون ظاهر می‌شود، چنان‌که آرتمیس شکارگر، نگهبان حیوانات وحشی، و هکاته ترسناک، ایلی‌تیا ایزدبانوی فرزندزایی؛ نیز آفرودیت، بی‌شک هلن، و دیمتر تجسم بسیاری صفات متفاوت‌اند. آتنا نگهبان شهر آتن، و هیرابانوی بزرگ آرگوس است. نمونه‌های بسیاری را می‌توان ذکر کرد.

سرانجام، عنصر سومی را باید افزود، یعنی ایزدان بزرگ با خاستگاه شرقی که اندکی بعد ظاهر شدند؛ اینها شامل آپولن و مخصوصاً دیونیزوس‌اند که دارای جنبه‌های ویژه‌اند.

هرودوت (تاریخ، ۲، ۵۳) می‌گوید که هومر و هزیود شجرنامه و سازمان‌دهی این ایزدان را ابداع کردند. در واقع، کوه آلمپ جهانی است مشابه جهانی که شاعران حماسه‌سرا برای سروران خود وصف کرده‌اند. این باشندگان آلمپی جوان‌اند، چنان‌که پرومته آخیلوس به یاد ما می‌آورد. دیونیزوس حتی از او جوان‌تر است. شخصیت او را هومر کمتر توصیف کرده است، اما اعمال شگفت او در باکانت‌ها اثر اورپییدنیک به تصویر کشیده شده است. رشد رازآمیز کیش دیونیزوس برخی از گرایشات بسیار کهن را از نو زنده کرد و گسترش داد و بعضی ویژگی‌های این کیش از نو در اسرار الوزیسی به بار نشست.

در سال‌های اخیر، نقش عوامل اجتماعی، آیین و اغلب حرکات ساده در بروز چنین تجلیاتی قابل تشخیص است. مثلاً عمل مارپیچ‌گونه کلو تو<sup>۱</sup> نشان داده شده تا افسانه آریادنه و تزه را به وجود آورد، تزه‌ای که به واسطه یک نخ از خلال هزار توی دالوس راهنمایی شد (تا پس از کشتن مینوتور فرار کند)، و سرانجام، این نقش رادر اسطوره آنانکی (ضرورت) می‌بینیم. حتی در جمهوری افلاطون نیز نقش مزبور ظاهر می‌شود. این مضمون اساطیری نیازمند پژوهش بیشتری است و بی‌شک نتایج تازه و جالبی را به بار خواهد آورد. هرچند عملی، چون عمل آیینی، اغلب معنای یک اسطوره را به تصویر می‌کشد و آن را ملموس می‌سازد، اما این نکته نیز درست است که اسطوره گاهی با عمل یا حرکتی پیوند دارد که دیگر قابل فهم نیست؛ اسطوره متضمن تفسیر یا توجیهی است که می‌تواند تفسیری نسبتاً نو از آن به دست دهد.<sup>۲</sup>

اسطوره‌ها بسیاری از پدیده‌های روان‌شناختی را به سادگی توضیح می‌دهند، مثلاً خواست‌های منسوب به رأی ایزدان را توجیه می‌کنند؛ همچنین پدیده‌های عادی یا جوی و به طور کلی مسائل کیهان‌شناختی را توضیح می‌دهند. مثلاً می‌گویند که زئوس با تکان دادن خشمگنانه گرز خود، تندر را پدید آورد.

فیلسوفان ملطی چیز دیگری را جانشین این نوع تفسیر کرده‌اند، تفسیری ساده اما به شیوه‌ای منحصرماً مادی؛ مثلاً گفته‌اند که تندر در اثر باد گریزان از ابرها پدید آمده است و ساز و کارهای ابتدایی توجیه‌کننده نظام کیهانی‌اند. فلاسفه ملطی برای توجیه حرکت اجرام آسمانی، به الگوهای قیاسی از نوع مکانیکی توسل می‌جویند. آناکسیمنس<sup>۳</sup> به حرکت یک کلاه اشاره می‌کند که شخص دور سرش می‌گرداند؛ آناکسیمندر<sup>۴</sup> تصور می‌کند که زمین را چرخ‌های متحرک، توخالی و آتشین احاطه کرده‌اند. البته این نوع تفکر هنوز تخیلی و قیاسی است، اما با تفکر شاعران کاملاً متفاوت است.

1. Clotho

2. Schule, *Fabulation platonic icnne*, 1968, pp. 70ff; *L'imagination*, 1960, pp. 151f, 155f.

3. Anaximenes

4. Anaximander